جستارهای تاریخ اسلام
دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی جستارهای تاریخ اسلام
سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۴۰۴
صفحات: ۲۴۵-۲۶۰

دارالعلم‌های شیعی؛ نهادی آموزشی با نقشی واسطه‌ای در رشد تمدن اسلامی

یدالله حاجی‌زاده[۱]

چکیده

دارالعلم‌های شیعی، یکی از نهادهای علمی و آموزشی در جهان اسلام به شمار می‌روند که به دلیل وجود کتابخانه و توجه بنیان‌گذاران آنها به امر آموزش، تأثیر قابل توجهی در روند رشد و اعتلای تمدن اسلامی داشته‌اند. این مراکز علمی، بیشتر با ذوق و همّت بزرگانی از شیعه در قرن چهارم و پنجم هجری، در بغداد، قاهره و مناطقی دیگر تاسیس شده‌اند. آشنایی با این دارالعلم‌ها و تأمل در نقش و کارکرد آنها مقوله‌ای است که در این نوشتار به آن توجه شده است. سؤالی که در اینجا مطرح است اینکه دارالعلم‌های شیعی به‌عنوان یک نهاد آموزشی، چه نقشی در تمدن اسلامی داشته‌اند؟ بررسی این موضوع با شیوه توصیفی ـ تحلیلی نشان می‌دهد دارالعلم‌های شیعی ضمن اینکه با کارکردهای گوناگون خود، ازجمله کارکرد کتابخانه‌ای و آموزشی، در رشد تمدن اسلامی موثر بوده‌اند، درحقیقت، نقش واسطه‌ای بین مراکز علمی پیشین با مراکز علمی پسین ایفا کرده و در الگودهی به مراکز ادوار بعد تأثیرگذار بوده‌اند. علت عدم تداومِ ساختِ مراکزی علمی با این نام و همین کارکرد در ادوار بعد (پس از قرن ششم) بدان جهت بوده است که مدتی بعد، مراکز علمی پیشرفته‌تری با امکانات بیشتر و بهتری در میان شیعیان و اهل‌سنت ساخته شده و به‌این‌ترتیب مرحله دارالعلم‌ها به پایان رسیده است.

واژگان کلیدی: دارالعلم‌های شیعه، کتابخانه‌های دارالعلم، تمدن اسلامی، نقش واسطه‌ای، مدارس شیعه.

---

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران؛ y.hajizadeh@isca.ac.ir.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷

https://jte.jz.ac.ir/article_238905.html

مقدمه

عوامل متعددی در پیدایی، رشد، بالندگی و رونق تمدن اسلامی نقش داشته‌اند. این رشد و بالندگی تا حد زیادی مرهون آموزه‌هایی است که اسلام به‌عنوان آخرین دین الهی به جامعه بشری عرضه کرده است. یکی از این آموزه‌ها، توجه به مقوله علم و دانش است که هم قرآن کریم و هم آموزه‌های پیشوایان دینی، پیوسته بر آن تأکید داشته‌اند (ر.ک: مجادله:۱۱؛ زمر:۹؛ علق:۱-۵ و کلینی، ۱۳۶۲، ج۱، ص۳۲)؛ تأکیدات و توصیه‌هایی که از همان صدر اسلام موجب پیدایی کانون‌های علمی شد. اولین کانون علمی در اسلام مسجد بود و سپس کانون‌های دیگری همچون: مکتب‌خانه‌ها، خانه‌های دانشمندان، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، دارالعلم‌ها، مدارس، حوزه‌های علمیه، رصدخانه‌ها و... تاسیس شدند. یکی از این مراکز علمی که به نوبه خود در رشد تمدن اسلامی تاثیرگذار بوده، «دارالعلم» است. این مراکز علمی که درحقیقت کتابخانه‌ای عمومی بوده و کارکرد آموزشی و در مواردی تبلیغی داشته‌اند، از قرن چهارم هجری به بعد با ذوق و همت عالمان و بزرگان شیعه، کار خویش را در مرکز خلافت اسلامی، یعنی بغداد، آغاز کرد و سپس در یکی دو منطقه دیگر نیز مراکزی با همین عنوان تأسیس شد. تأسیس چنین مراکزی در تمدن اسلامی، بیش از دو قرن تداوم نیافت. از مهم‌ترین دارالعلم‌ها می‌توان به دارالعلم شاپوربن اردشیر، دارالعلم فاطمیان، دارالعلم سید رضی، دارالعلم سید مرتضی و دارالعلم طرابلس اشاره کرد. در این نوشتار تلاش بر این است تا ضمن معرفی مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دارالعلم‌های شیعی، نقش این نهاد علمی در میان نهادهای آموزشی در تمدن اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

درباره دارالعلم‌ها در جهان اسلام، تحقیقاتی در قالب کتاب و مقاله انجام گرفته است. محمد کریمی زنجانی اصل (۱۳۸۵) در کتابی با عنوان دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام، ضمن بیان ساختار و عملکرد دارالعلم‌ها و معرفی دارالعلم‌های شیعی، کارکرد دارالعلم‌ها را در «حفظ آثار شیعی و توسعه علوم» خلاصه کرده و به نقش واسطه‌ای این نهاد آموزشی توجه نداشته است. عبدالرحیم غنیمه (۱۳۸۸) نیز در کتاب تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، به اجمال از دارالعلم‌ها سخن گفته و همانند اثر قبلی، به نقشی که این نهاد آموزشی در روند آموزش در جهان اسلام ایفا نموده، توجه نکرده است.

همچنیـن مقالاتـی درباره دارالعلم‌ها نوشـته شـده اسـت که ازجملـه آنها می‌تـوان به این موارد اشاره کرد: «کتابخانه شاپور، اولین کتابخانه و دارالعلم شیعه»، به قلم مرتضی محمدنیا سـماکوش (۱۳۸۹)؛ «نقـش دارالعلـم طرابلـس در پویایـی مذهب تشـیع در عهـد بنی‌عمار»، نوشـته سیدابوالقاسـم فروزانی و لیدا مودت (۱۳۹۳)؛ «دارالعلم‌های دوره آل‌بویه و نقش آن در شکوفایی و ارتقای علم و دانش»، نگاشته ذکرالله محمدی و محسن پرویش (۱۳۹۲)؛ «پژوهشی درباره دارالعلم قاهره» به قلم محمدعلی چلونگر (۱۳۸۳)؛ «اهداف، وظایف و کارکرد آموزشی مراکز علمی فاطمیان»، نوشته حمزه‌علی بهرامی و مهدی فرمانیان (۱۳۹۰) و «کارکرد دارالعلم فاطمی در آموزش علوم و تبلیغ تعالیم اسماعیلی»، نوشته یدالله حاجی‌زاده (۱۳۹۸).

در پژوهش‌های یادشـده، در بیشـتر موارد، موضوعات جزئی مربوط به دارالعلم‌ها مد نظر بوده و به نقش واسطه‌ای این مراکز در تمدن اسلامی توجهی نشده است.

۱. مفهوم‌شناسی دارالعلم

واژه «دارالعلـم» مرکـب از دو واژه «دار» و «علـم» اسـت. واژه دار بـه معنـای، جـای فـرود آمدن، سـرا، خانه، محل، شـهر، بیابان و ناحیه است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج۱، ص۶۹۴-۶۹۵). از مـوارد کاربـرد این واژه، به جز دارالعلم، می‌توان به دارالضرب (محل ضرب سـکه)، دارالشـفاء (بیمارستان) و دارالمرض (بیمارستان) اشاره کرد (زمخشری، ۱۳۸۶، ص۲۱). واژه «علم» نیز نقیض جهل، به معنای یقین، معرفت، دانش و آگاهی است (فیومی، بی‌تا، ج۲، ص۴۲۷).

بنابرایـن می‌تـوان واژه دارالعلـم را از نظر لغـوی، به معنای خانه علم و دانـش معنا کرد. در اصطلاح، دارالعلم یا همان سرای علم، موسسه‌ای وقفی و چندمنظوره و به شکل کتابخانه‌ای عمومی در مکانی مسـتقل بوده اسـت که در آن، بر تعلیم علوم و آموزش‌های مذهبی تأکید، و مجالـس درس و مناظره برگـزار می‌شـده اسـت. همچنیـن درعین‌حـال دارای اسـتادان و دانشجویانی بوده است که در آن ساکن می‌شدند و مقرری دریافت می‌کردند. برخی گفته‌اند این نام‌گذاری، برگرفته از دارالعلم اسکندریه است که بطلمیوسیان[1] در اسکندریه مصر قبل از اسلام دایر کرده بودند (قفطی، ۱۳۷۱، ص۱۷ و بغدادی، ۱۴۰۳، ص۱۱۴). در این مراکز علمی، مترجمان و

۱. دودمانی یونانی‌تبار که از سال ۳۰۵ تا ۳۰ قبل از میلاد بر مصر فرمانروایی کرده‌اند.

نویسندگان به کار ترجمه و پژوهش اشتغال داشتند و در مواردی کلاس‌های درس نیز در آنها تشکیل می‌شد. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت دارالعلم درحقیقت مؤسسه‌ای علمی ـ آموزشی بوده که مهم‌ترین رکن آن و یا به تعبیری، اساس و بنیاد آن، «کتابخانه» بوده است. در این مرکز علمی، طالبان علم و حتی در برخی موارد استادانی سکونت داشتند که به کار مطالعه، پژوهش و تحصیل اشتغال داشتند و هزینه‌های زندگی آنان، از سوی متولیان این مراکز تامین می‌شد.

۲. دارالعلم‌های شیعی

پیش از معرفی اجمالی دارالعلم‌های شیعی باید به این نکته اشاره شود که یکی از اولین دارالعلم‌ها در جهان اسلام، از سوی یکی از فقهای شافعی تاسیس شده است. بر اساس نقل یاقوت حموی (م۶۲۶ق)، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن حمدان موصلی (۲۴۰-۳۲۳ق)، فقیه شافعی‌مذهب، دارالعلمی در شهر موصل عراق برپا کرد (حموی، ۱۴۰۰، ج۷، ص۱۹۰-۱۹۱). موصلی که جایگاه علمی‌اش مورد ستایش برخی از بزرگان قرار گرفته است (ابن‌ندیم، بی‌تا، ص۲۱۳؛ حموی، ۱۴۰۰، ج۷، ص۱۹۲ و کحاله، ۱۳۷۶، ج۳، ص۱۴۷)، با بنای این دارالعلم، کتابخانه‌ای در آن مهیا کرد که کتاب‌هایی از همه علوم در آن قرار داشت. وی این کتاب‌ها را وقف علاقه‌مندان به علم کرده بود؛ به‌گونه‌ای که هرکسی می‌توانست از این مرکز علمی استفاده کند. وی حتی نوشت‌افزار نیز در اختیار مراجعین کم‌بضاعت قرار می‌داد. حموی ضمن اشاره به این مطالب، از تشکیل مجلس درس از سوی موصلی در این مرکز علمی خبر داده است (حموی، ۱۴۰۰، ج۷، ص۱۹۳)؛ هرچند گویا حسادت برخی از همشهریان موصلی که سرانجام به تبعید وی از این شهر منجر گردید، مانع از تداوم خدمات علمی این مرکز علمی شد (همان، ص۱۹۳-۱۹۴).

ایجاد دارالعلم‌ها به‌عنوان یک مرکز علمی در میان اهل‌سنت نتوانست جایگاه خویش را پیدا کند و این شیعیان بودند که دارالعلم‌های بیشتر و مهم‌تری در جهان اسلام، به‌ویژه در قرن چهارم و پنجم هجری ایجاد کردند.

۲،۱. دارالعلم شاپوربن‌اردشیر

اولین دارالعلم شیعی، دارالعلم شاپوربن‌اردشیر (م۴۱۶ق)، وزیر شیعه‌مذهب و ایرانی

بهاءالدوله دیلمی است که با ذوق شخصی و امکاناتی که در اختیار داشت، این مرکز علمی را در سال ۳۸۳ق (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج۹، ص۱۰۱ و ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۲۷، ص۱۶) در محله کرخِ بغداد ایجاد کرد (ذهبی، ۱۴۰۷، ج۲۷، ص۱۶). وی کتاب‌های فراوانی برای این مرکز علمی فراهم کرد (ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۰۷، ج۱۱، ص۳۱۲) و آنجا را برای طالبان علم وقف نمود (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج۹، ص۳۵۰). تعداد کتاب‌های این کتابخانه عمومی، که به تعبیر برخی، بهتر از آنها در جهان یافت نمی‌شد (حموی، ۱۳۹۹، ج۱، ص۵۳۴)، ۱۰۴۰۰ جلد کتاب بوده است (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج۱۰، ص۷). این دارالعلم «نه‌تنها کتابخانه بود، بلکه مرکزی برای تعلیم‌وتعلم محسوب می‌شد و مانند بیت‌الحکمه مامون (م۲۱۸ق)، مرکز تالیف، ترجمه و استنساخ کتب و تکثیر نسخه‌های انحصاری به شمار می‌رفت» (محمدنیا سماکوش، ۱۳۸۹، ص۹۵). درنهایت، این مجموعه علمی، در پایان دوره آل‌بویه و با ورود سلجوقیان سنی‌مذهب، در نیمه قرن پنجم هجری (۴۴۷ق) از بین رفت (حموی، ۱۳۹۹، ج۱، ص۵۳۴ و ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج۹، ص۳۵۰).

۲،۲. دارالعلم فاطمیان

یکی از مشهورترین و عظیم‌ترین دارالعلم‌ها در جهان اسلام، دارالعلم فاطمیان است که در سال ۳۹۵ق در قاهره مصر ساخته شد. بنا بر نقل مقریزی (م۸۴۵ق)، که بیشترین اطلاعات را درباره این مرکز علمی ارائه کرده است، در این دارالعلم، افراد زیادی خدمت می‌کردند و امور آن را سروسامان می‌دادند (مقریزی، ۱۴۱۸، ج۲، ص۳۷۹). این مرکز علمی که بخشی از شکوفایی فرهنگی و تمدنی مصر در عصر فاطمیان به آن مربوط می‌شود و در زمان خویش یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مراکز علمی، فرهنگی و آموزشی در جهان به شمار می‌رفت، به امر خلیفه فاطمی، الحاکم بامرالله (حک:۳۸۶-۴۱۱ق)، تاسیس و آباد شده بود (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲، ج۱۵، ص۷۱). کتابخانه این دارالعلم، بزرگ‌ترین کتابخانه جهان در آن زمان بوده است (نویری، ۱۴۲۳، ج۲۸، ص۱۷۹ و مقریزی، ۱۴۱۸، ج۲، ص ۳۷۹). مقریزی ضمن بیان این نکته که در سراسر جهان اسلام، کتابخانه‌ای بزرگ‌تر از آن نبود، تعداد کتاب‌های این مرکز علمی را ۱،۶۰۰،۰۰۰ جلد کتاب دانسته است (مقریزی، ۱۴۱۸، ج۲، ص۲۹۲). در استفاده از این مرکز علمی، نه‌تنها محدودیتی برای کسی وجود نداشت؛ بلکه امکانات موردنیاز، ازجمله قلم و کاغذ رایگان

نیـز در اختیـار افراد قرار می‌گرفت تا به‌راحتـی بتوانند از کتابخانه بهره ببرند (نویری، ۱۴۲۳، ج۲۸، ص۱۷۹ و مقریزی، ۱۴۱۸، ج۲، ص۳۷۹).

در دارالعلم فاطمیان، جلسـات آموزشـی و مباحثات علمی، حداقل در برخی از ادوار آن برقرار بود و حاکمان فاطمی اهتمام خاصی به برپایی چنین مجالسـی داشـتند (مقریزی، ۱۴۱۸، ج۱، ص۳۶۹ و ج۲، ص۳۷۹-۳۸۰). هاینس هالم، مستشرق آلمانی، دارالعلم فاطمی را تنها مؤسسه علمی در جهان اسلام معرفی کرده است که در همه زمینه‌های علمی، به طالبان علم آموزش مـی‌داد (هالـم، ۱۳۷۷، ص۹۲). سـرانجام ایـن مرکز علمی به دسـت ایوبیان افتـاد و صلاح‌الدین ایوبی آن را به مدرسه‌ای برای اهل‌سنت تبدیل کرد (مقریزی، ۱۴۱۸، ج۴، ص۲۰۰).

۲،۳. دارالعلم سید مرتضی و سید رضی

علی‌بن‌حسین موسوی بغدادی، مشهور به سید مرتضی (۳۵۶- ۴۳۶ق)، اولین کسی است که خانه خویش را در بغداد، به‌عنوان دارالعلم قرار داد (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۳۹۰، ج۴، ص۲۲۳). وی در این مرکز علمی شاگردانی داشت که مشغول تحصیل بودند و سید به آنان مقرری پرداخت می‌کرد. قزوینی تعداد شـاگردان سـید مرتضی را چهارصد شـاگرد فاضل دانسـته است (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ص۳۹). کتابخانه دارالعلم سید مرتضی هشتاد هزار جلد کتاب داشت (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج۷، ص۱۹۲). شواهدی وجود دارد که دانشمندان نیز به این مرکز علمی رفت‌وآمد می‌کردند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج۲، ص۵۰۶). متأسفانه با درگذشت سید مرتضی، این دارالعلم نیز بسته شد.

سـید رضـی (۳۵۹- ۴۰۶ق)، بـرادر کوچک‌ترِ سـید مرتضی نیز دارالعلمـی در بغداد ایجاد کرد. آنچه مشخص است اینکه این دارالعلم همانند دارالعلم سید مرتضی، عبارت بوده است از خانه‌ای مدرسـه‌مانند، دارای کتابخانه‌ای مجهز در غرب دجله، که شـاگردان سـید رضی در آن سـکونت داشـتند و تمامی امکانات مورد نیاز برای ایشـان فراهم شـده بود (شـریف رضی، ۱۴۰۶، ص۲۷). در ایـن دارالعلـم نیـز دانشـمندان حضـور می‌یافتند و به بحـث و مناظره علمی می‌پرداختنـد. گفتـه شـده کـه ابوالعلای مُعرّی (م۴۴۹ق)، شـاعر و فیلسـوف شـامی، در این دارالعلم با بسیاری از فضلای زمان گفت‌وگو داشته است (حموی، ۱۳۹۹، ج۶، ص ۵۳۹). این مرکز علمی نیز متأسفانه با درگذشت سید رضی در سال ۴۰۶ق تعطیل شد.

۲،۴. دارالعلم طرابلس

یکی دیگر از مهم‌ترین، باشکوه‌ترین و نفیس‌ترین دارالعلم‌های شیعی، دارالعلم طرابلس است که در اواخر قرن پنجم هجری در شهر بندری طرابلس، مقر اصلی حکومت خاندانی شیعی و فرهنگ دوست به نام بنی‌عمار (۴۶۳ -۵۰۳ق)، ساخته شد. این دارالعلم که از بزرگ‌ترین و بهترین دارالعلم‌های شیعی به شمار رفته است (شعار، ۱۴۰۵، ص۱۱۵)، به دست امین‌الدوله ابوطالب حسن‌بن‌عمار (م۴۶۴ق)، حاکم طرابلس و از نویسندگان و فقهای شیعه (نویری، ۱۴۲۳، ج۳۱، ص۵۱)، ایجاد گردید (ابن‌شداد، ۱۹۵۳، ج۲، ص ۱۰۷ و عبدالحمید، ۱۴۲۴، ج۱، ص۲۵۶). پس از ابوطالب، این مرکز علمی به مدت ۲۸ سال تحت‌نظر برادرزاده وی، جلال‌الملک (حک:۴۶۴-۴۹۲ق) اداره شد. وی به‌منظور رونق‌بخشی به این مرکز علمی، همانند عمویش افرادی را برای یافتن آثار نفیس علمی، به مناطق مختلف فرستاد. بر اساس نقلی، بنی‌عمار در همه شهرها افرادی داشتند تا کتاب‌های موردنیاز را خریداری کنند (الزحلاوی، ۱۳۴۴، ص۱۱۲).

بر اساس شواهد موجود، کتابخانه این دارالعلم، بسیار بزرگ و غنی بوده است. بر پایه نقلی، در کتابخانه این دارالعلم، سه میلیون جلد کتاب، که تمامی آنها کتاب‌های دینی، قرآن، حدیث و ادب بود، نگهداری می‌شد (ابن‌فرات، ۱۴۲۸، ج۸، ص۷۷).[1] به جز کتابخانه عمومی، که نه‌تنها مردم طرابلس، بلکه مردم نواحی دیگر نیز از امکانات آن بهره می‌بردند، در این مرکز علمی، محل‌هایی برای تشکیل کلاس‌های درس، تالاری برای اجتماعات علمی و مباحثات دانشمندان و مکانی برای اسکان نسخه‌نویسان و اهل علم وجود داشته است (الزحلاوی، ۱۳۴۴، ص۱۱۲ و ابن‌فرات، ۱۴۲۸، ج۸، ص۷۷). متأسفانه عمر این دارالعلم نیز چندان به درازا نکشید؛ زیرا تقریباً سی سال پس از تأسیس آن، شهر طرابلس به دست صلیبی‌ها افتاد و آنها این مرکز علمی را نابود کردند، کتاب‌های آن را به آتش کشیدند و یا به غارت بردند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج۱۰، ص۴۷۶ و الزحلاوی، ۱۳۴۴، ص۱۱۲). یکی از نویسندگان، ضمن اشاره به عظمت این مرکز علمی، به آتش کشیدن آن را خسارتی بسیار بزرگ و جبران‌ناپذیر دانسته است (الزحلاوی، ۱۳۴۴، ص۱۱۰).

۱. یکی از نویسندگان، این آمار را مربوط به تمامی کتابخانه‌های طرابلس دانسته است (کردعلی، ۱۴۰۳، ج۶، ص۱۹۱).

۳. نقش واسطه‌ای دارالعلم‌های شیعی

دارالعلم‌ها به‌عنوان یکی از مراکز آموزشی در جهان اسلام و در تمدن اسلامی، درحقیقت نقش واسطه‌ای میان مساجد، مکتب‌خانه‌ها، خزانة‌الحکمه‌ها و بیت‌الحکمه از سویی و با مدارس و حوزه‌های علمیه از سوی دیگر داشته‌اند. مطالعه در ماهیت و کارکرد مراکز علمی و آموزشی که پیش از دارالعلم‌ها در جهان اسلام تشکیل شده‌اند و مراکزی که در مرحله بعد از دارالعلم‌ها شکل گرفته‌اند، و مقایسه این مراکز با دارالعلم‌ها می‌تواند تا حدودی این نقش واسطه‌ای را نشان دهد؛ به‌گونه‌ای که گویی دارالعلم‌ها خود را به کارکرد و ساختار مدارس نزدیک کرده‌اند. همین امر سبب شده است حتی برخی از نویسندگان، تعبیر «مدرسه» را برای دارالعلم به کار گیرند. ابن‌کثیر درباره دارالعلم شاپوربن‌اردشیر می‌نویسد: «به گمان من این دارالعلم، اولین مدرسه‌ای بوده که مدت‌ها قبل از تشکیل نظامیه‌ها، وقف فقها شده است» (ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۰۷، ج۱۱، ص۳۱۲).

۴. مقایسه دارالعلم‌ها با مراکز آموزشی پیشین

دارالعلم‌ها را از جهات گوناگونی می‌توان با مراکز علمی پیشین مقایسه کرد. این مقایسه می‌تواند در تعداد کتاب‌ها، میزان دسترسی افراد به این مراکز و توجه یا عدم توجه این مراکز به امر آموزش باشد.

۴،۱. تعداد کتاب‌ها

در جامعه اسلامی، افراد به فراخور توانایی و میزان علاقه‌ای که به کتاب داشتند، در خانه خویش و یا در مراکز علمی، به جمع‌آوری کتاب می‌پرداختند. به همین جهت از همان قرون اولیه، شاهد شکل‌گیری کتابخانه‌های کوچک و بزرگ در جای‌جای قلمرو اسلامی هستیم. مقایسه کتابخانه‌های دارالعلم و میزان کتاب‌های آن با کتابخانه‌ها و کتاب‌های موجود در مراکز علمی و آموزشی پیشین نشان می‌دهد کتابخانه‌هایی که در دارالعلم‌ها تشکیل شدند، به‌مراتب، برتر و باشکوه‌تر از کتابخانه‌های قبلی بودند. همچنین تعداد کتاب‌های موجود در دارالعلم‌ها نیز به‌مراتب بیشتر از کتابخانه‌های شخصی و امثال بیت‌الحکمه[1] و بیت‌الخزانه

۱. بیت‌الحکمه از اولین کتابخانه‌های مهم جهان اسلام، به همت هارون‌الرشید (حک:۱۷۰- ۱۹۳ق) تأسیس شد و در دوره مامون (حک:۱۹۸-۲۱۸ق) به دوره اوج و تکامل خویش رسید. در این مرکز علمی، آثاری به‌ویژه آثار ترجمه‌ای سایر

بوده است. هرچند درباره تعداد کتاب‌های این مراکز علمی، رقم دقیقی در دست نیست، اما تردیدی وجود ندارد تعداد کتاب‌هایی که در این مراکز علمی فراهم آمده، به‌مراتب کمتر از تعداد کتاب‌های برخی از دارالعلم‌ها همانند دارالعلم فاطمیان و دارالعلم طرابلس بوده است که به ترتیب ۱,۶۰۰,۰۰۰ و ۳,۰۰۰,۰۰۰ جلد کتاب داشتند (مقریزی، ۱۴۱۸، ج۲، ص۲۹۲ و ابن‌فرات، ۱۴۲۸، ج۸، ص۷۷). ازاین‌جهت می‌توان به‌نوعی رشد دارالعلم‌ها نسبت به مراکز علمی پیشین را شاهد بود.

۴,۲. استفاده‌کنندگان

دارالعلم‌ها بدان جهت که عموم مردم می‌توانستند از آنها استفاده کنند، به‌نوعی متمایز از برخی مراکز علمی قبل، همانند بیت‌الحکمه و خانه‌های دانشمندان بودند. نظری به کارکرد بیت‌الحکمه نشان می‌دهد که از این مرکز علمی، تنها عده‌ای خاص مانند عالمان، پژوهشگران، مترجمان و نساخان می‌توانستند استفاده کنند. بنابراین بیت‌الحکمه، به‌عنوان مهم‌ترین کتابخانه جهان اسلام قبل از دارالعلم‌ها، برخلاف دارالعلم، کتابخانه‌ای عمومی نبود که همگان بتوانند به‌راحتی از آن استفاده کنند. به جز بیت‌الحکمه، کتابخانه‌های دیگری همچون خزانة الحکمه علی بن یحیی بن منصور منجم (م۲۷۵ق) (حموی، ۱۴۰۰، ج۱۵، ص۱۵۷) و خزانة‌الحکمه فتح‌بن‌خاقان از دولتمردان عصر متوکل عباسی در بغداد (ابن‌ندیم، بی‌تا، ص۱۴۳ و حموی، ۱۴۰۰، ج۱۵، ص۱۶ و ۱۷۴) نیز بودند که همانند بیت‌الحکمه، جنبه عمومی نداشتند. این کتابخانه‌ها در بیشتر موارد، شخصی و حداکثر نیمه‌عمومی بودند، ولی دارالعلم‌ها کتابخانه‌هایی بودند که برای اولین بار، عموم مردم امکان استفاده از آنها را داشتند.

۴,۳. توجه به آموزش

اگر از آموزش‌های انجام‌شده در مساجد، به‌ویژه آموزش‌های برخی از امامان شیعه علیهم‌السلام و پیشوایان مذاهب فقهی اهل‌سنت در مساجد صرف‌نظر کنیم، باید بگوییم تا قبل از شکل‌گیری دارالعلم‌ها، در مراکز علمی جهان اسلام، امر آموزش هنوز جایگاه چندانی نداشته است. البته مساجد به علت اینکه در اصل، اماکنی عبادی به شمار می‌رفتند و از

تمدن‌ها، ازجمله تمدن یونانی و تمدن ایرانی نگه‌داری می‌شد.

سوی متولیان و بانیان آن محدودیت‌هایی در استفاده از آن اعمال می‌شد، نمی‌توانستند جای مراکز آموزشی را پر کنند. در خانه‌ها همانند خانه محمدبن‌جریر طبری (م۳۱۰ق) (رک: ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶، ص۱۲۲-۱۲۳) و مکتب‌خانه‌ها، ضمن اینکه تعداد محصلان بسیار اندک بود، بیشتر آموزش‌ها ابتدایی بود. در بیت‌الحکمه نیز بیشتر به پژوهش و ترجمه آثار سایر تمدن‌ها توجه می‌شد و آموزش، جایگاه چندانی نداشت.

هرچند در دارالعلم‌ها، جنبه پژوهشی بر جنبه آموزشی غلبه داشت، اما درهرحال اضافه شدن جنبه آموزشی به کارکرد دارالعلم‌ها، پیشرفت این مراکز علمی نسبت به سایر مراکز علمی ازجمله بیت‌الحکمه و خزانة‌الحکمه را نشان می‌دهد. توجه به امر آموزش در برخی از دارالعلم‌ها، بسیار قابل‌توجه و پررنگ بوده است. به‌جز دارالعلم‌های بغداد، به‌خصوص دارالعلم سید رضی و سید مرتضی که در آنها امر آموزش بسیار جدّی دنبال می‌شد (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ص۳۹)، در دارالعلم فاطمیان نیز به موضوع آموزش توجه خاصی شده است. بر اساس آنچه در منابع آمده است، پس از بنای دارالعلم فاطمی، با حمایت‌های خلیفه، دانشمندان رشته‌های گوناگون، ازجمله: قرائت، نجوم، نحو، لغت، طب، فقه، ریاضی و منطق در آن حضور یافتند و به امر آموزش مشغول شدند (نویری، ۱۴۲۳، ج۲۸، ص۱۷۹).

۴،۴. مقایسه دارالعلم‌ها با مراکز آموزشی پسین

پس از دارالعلم‌ها، که خود پیشرفتی در تأسیس مراکز علمی در جهان اسلام به شمار می‌رفتند، شاهد شکل‌گیری مراکز علمی ـ آموزشی بهتر و بیشتری در میان شیعه و اهل‌سنت هستیم. در این مراکز، گاه برخی از کارکردهای دارالعلم‌ها، به همان قوت سابق استمرار نیافت. به‌عنوان‌نمونه، کتابخانه‌های این مراکز، دیگر همانند کتابخانه‌های دارالعلم‌ها، عمومی نبودند. البته کتابخانه‌های عمومی که از قرن ششم هجری (پس از اتمام دوره دارالعلم‌ها) پدید آمدند، این نیاز را برطرف می‌ساختند و دیگر نیازی به عمومی بودن کتابخانه‌های مدارس و حوزه‌های علمیه نبود، اما امر آموزش در دارالعلم‌ها، تمرکز و انسجام بیشتری یافت و نهادینه شد.

۴،۴،۱. مقایسه با مراکز آموزشی اهل‌سنت

در میان اهل‌سنت، خواجه نظام‌الملک (م۴۸۴ق) با سابقه ذهنی که از دارالعلم‌ها در سر داشت، تلاش کرد مراکز علمی پیشرفته‌تری را ایجاد کند. از نیمه دوم قرن پنجم هجری، با همت این وزیرِ ذی‌نفوذ دربار سلجوقی، مدارسی در بغداد و سایر شهرهای اسلامی با عنوان «نظامیه» تشکیل شد. هرچند گفته شده که پیش از نظامیه‌ها نیز مدارسی در جهان اسلام به‌خصوص در خراسان وجود داشته است (سبکی، بی‌تا، ج۴، ص۳۱۴)، اما در این نکته تردیدی نیست که این مدارس، همانند مدرسه ابن‌فورک اصفهانی (م۴۰۵ق)، بیشتر جنبه شخصی و خصوصی داشتند (رک: حنبلی، بی‌تا، ج۳، ص۱۸۱). این گونه مدارس، تنها برای تدریس یک دانشمند یا یک فقیه و استفاده معدودی از طلاب دایر می‌شدند، اما نظامیه‌ها اولین مدارس دولتی و رسمی در جهان اسلام بودند که برای نخستین بار تأسیس آنها در شمار وظایف دولت قرار داده شد. پیدایش نظامیه‌ها در مناطق مختلف جهان اسلام، تحولی جدید و بزرگ به حساب می‌آمد؛ چراکه در این مرکز یا مراکز آموزشی، برنامه‌های آموزشی، تمرکز و انسجام بیشتری یافت، نظم و ساماندهی بیشتر شد، استادان وضعیت مطلوب‌تری پیدا کردند و دانشجویان و دانش‌پژوهان از موقعیت آموزشی برتری بهره‌مند شدند. علاوه بر این، مدارس نظامیه از حیث بنا و ساختمان، مسائل رفاهی و بهداشتی، جذب و گزینش استاد و دانشجو، پرداخت مستمری و هزینه تحصیلی، متون و مواد درسی، شیوه‌های آموزشی و تربیتی و تعلیم فنون جدل و خطابه و... از انسجام خوبی برخوردار بودند. به همین جهت می‌توان گفت نظامیه‌ها اولین مراکز آموزش عالی در جهان اسلام بوده‌اند. همین ویژگی‌های خاص و نوپدید که سبب شده است همه مدارس و مراکز علمی پیش از نظامیه‌ها تحت‌الشعاع قرار گیرند، برخی از نویسندگان را متقاعد ساخته است که خواجه نظام‌الملک را اولین پایه‌گذار «مدرسه» در جهان اسلام معرفی کنند (ذهبی، ۱۴۰۷، ج۲۳، ص۱۴۶).

مدارس نظامیه، از حمایت جدّی دولت برخوردار بودند و گفته شده است یک‌دهم درآمد مملکت، به تأسیس این مدارس اختصاص یافته بود (قزوینی، ۱۹۹۸، ص۴۱۲). این مدارس، از بخش‌های گوناگونی تشکیل شده بودند که مهم‌ترین این بخش‌ها، به جز بخش‌های آموزشی،

کتابخانه بود. برخی از نظامیه‌ها، همانند نظامیه بغداد و اصفهان، کتابخانه‌های بزرگ و معتبری داشتند (قفطی، ۱۳۷۱، ص۴۴۸). اهمیت کتابخانه نظامیه بغداد باعث گردید حدود یک قرن پس از تأسیس، ساختمان جدیدی توسط خلیفه عباسی، الناصر لدین‌الله (م۶۲۲ق)، برای آن ساخته شود (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج۱۲، ص ۱۰۴). در این مدرسه، علاوه بر خوراک، پوشاک و مسکن، به طلاب بی‌بضاعت، کمک هزینه تحصیلی پرداخت می‌شد (طرطوشی، ۱۴۱۵، ص۳۵۸).

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تشکیل دارالعلم‌ها، در پیدایی و تأسیس نظامیه‌ها بی‌تاثیر نبوده است. به‌جز دارالعلم‌های بغداد، آوازه موفقیت دارالعلم فاطمیان در مصر نیز در جهان اسلام پیچیده بود و این امر، خواجه را که سنی متعصب[1] و در پی غلبه فرهنگی اهل‌سنت (مذهب شافعی) و جلوگیری از نفوذ اسماعلیان در ایران بود، در راه‌اندازی مرکزی پیشرفته‌تر، ابتکاری‌تر، وسیع‌تر و تاثیرگذارتر ترغیب کرده است.

۴،۴،۲. مقایسه با مراکز آموزشی شیعه

در میان شیعیان نیز پس از دارالعلم‌ها، شاهد شکل‌گیری مرکز آموزشی مهم‌تری به نام حوزه علمیه هستیم. شیخ طوسی (م۴۶۰ق) که در زمان حمله سلجوقیان به بغداد، در محله کرخ بغداد مسئولیت دارالعلم شاپوربن‌اردشیر را بر عهده داشت (طوسی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۸-۹)، با نابودی کتابخانه‌اش، از بغداد به نجف مهاجرت کرد و این هجرت، مقدمه تشکیل حوزه علمیه در این شهر شد. درحقیقت، شیخ طوسی با ورود خویش به نجف، دارالعلم را به حوزه علمیه تبدیل کرد. مقایسه اجمالی حوزه‌های علمیه و تکامل و پیشرفت آنها در ادوار بعد با دارالعلم‌ها، نشان از پیشرفت مراکز علمی ـ آموزشی شیعی دارد.

به‌جز حوزه‌های علمیه، از اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری به بعد، شاهد شکل‌گیری مدارسی هستیم که توسط شیعیان تأسیس شدند. ازجمله، در شهر ری، هفده مدرسه وجود داشت (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ص۳۴-۳۶). بر اساس همین نقل، یکی از این مدارس، مدرسه عبدالجبار بود که در قرن ششم حدود چهارصد طلبه در آن تحصیل می‌کردند. گفته شده است که این مدرسه را شیخ عبدالجبار، معروف به مفید (زمانی‌نژاد، ۱۳۸۴، ج۲، ص۳۳۰) در

۱. خواجه در سیاستنامه هیچ‌کاری برای پادشاه را از نابودی رافضیان و باطنیان واجب‌تر نمی‌داند: «... هرآنگه ایشان پدید آیند، بر پادشاه وقت هیچ‌کاری فریضه‌تر از آن نباشد که ایشان را از پشت زمین برگیرند...» (نظام‌الملک، بی‌تا، ص۱۸۴).

اواخر قرن پنجم هجری بنا کرده بود (حموی، ۱۳۹۹، ج۳، ص۱۲۰). از دیگر مدارس شیعی این شهر، مدرسه خواجه امام رشیدی رازی بود که محلی برای سکونت طلاب داشت، کتابخانه‌ای غنی در آن برپا بود و دویست محصل در آن تحصیل می‌کردند. در همین زمان در شهر قم ده مدرسه شیعی وجود داشت که عبدالجلیل رازی از آنها نام برده است. ایجاد مدارس در ادوار بعد نیز در میان شیعه تداوم یافت؛ به‌گونه‌ای که در دوره صفویه، نهضت مدرسه‌سازی بسیار پیشرفت کرد. در اینکه ایجاد مدارس به دست شیعیان، تحت تاثیر دارالعلم‌ها بوده یا خیر، اطلاعات کافی در اختیار ما نیست، اما بی‌تردید این مدارس به جهت سامانی که داشته‌اند، در کنار نظامیه‌ها و سایر مدارس اهل‌سنت، شاهدی بر روند روبه‌رشد مراکز آموزشی جهان اسلام پس از دارالعلم‌ها به شمار می‌روند.

نتیجه‌گیری

دارالعلم‌ها به‌عنوان یکی از مراکز علمی و آموزشی در جهان اسلام، از اهمیت خاصی برخوردار بودند. این مراکز علمی که نقش شیعیان در تأسیس و گسترش آنها قابل‌توجه است، ضمن اینکه کتابخانه‌هایی عمومی به حساب می‌آمدند، کارکرد آموزشی نیز داشتند و الگویی برای مراکز علمی بعدی در جهان اسلام شدند. این نهادها، یک مرحله از مراحل پیدایی و ایجاد مراکز علمی و آموزشی در جهان اسلام به شمار می‌روند که تا حدودی نقشی واسطه‌ای را در این خصوص ایفا کرده‌اند. دارالعلم‌ها در برخی از جنبه‌ها، ازجمله در میزان کتاب‌هایی که در آنها نگه‌داری می‌شده است، نسبت به مراکز علمی پیشین برتری داشتند. کتابخانه این مراکز بدان جهت که عمومی بود و همگان امکان استفاده از آن را داشتند، جنبه دیگری از پیشرفت در مراکز علمی جهان اسلام را نشان می‌داد. در میان اهل‌سنت، با تأثیرپذیری از این مراکز، از نیمه دوم قرن پنجم هجری، مدارسی با عنوان نظامیه در شهرهای مختلف جهان اسلام برپا شد و این نهضت (مدرسه‌سازی) بعدها نیز در میان آنان تداوم یافت. در میان شیعیان نیز شکل‌گیری حوزه‌های علمیه و مدارس شیعی، مرحله‌ای دیگر از رشد مراکز علمی در جهان اسلام را نشان می‌دهند که تا حدودی نقش واسطه‌ای دارالعلم‌ها در آنها دیده می‌شود. نکته‌ای که تا حدودی نقش واسطه‌ای دارالعلم را نشان می‌دهد اینکه

به‌مرور زمان، انضباط و ساماندهی مراکز آموزشی در جهان اسلام بیشتر شده است؛ به‌گونه‌ای که دارالعلم‌ها در مقایسه با مساجد، مکتب‌خانه‌ها و خانه‌های دانشمندان، از انسجام و قابلیت بیشتری برخوردار بودند. از سوی دیگر، مدارس نیز در مقایسه با دارالعلم‌ها، دارای انسجام، انضباط و ساماندهی بهتر و بیشتری بوده‌اند. گویی دارالعلم، دوره‌ای از رشد و شکوفایی را طی کرده و سپس با پیدایش مدارس و سایر مراکز علمی پیشرفته، به مرحله رکود و نابودی رسیده است. در مدارس، نظم و انسجام بیشتر شده، تعداد دانشجویان افزایش یافته، برنامه‌های درسی ساماندهی بهتری گرفته و رشته‌های علمی در آنها بیشتر شده است. طبیعتاً این امر سبب شده است که خروجی‌های مدارس، از جهت کمی و کیفی، بیشتر و بهتر باشند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌اثیر، عزالدین (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.

۲. ابن‌اسفندیار، محمدبن‌حسن (۱۳۶۶ش)، تاریخ طبرستان، تهران: پدیده خاور.

۳. ابن‌جوزی، عبدالرحمن (۱۴۱۲ق)، المنتظم، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۴. ابن‌حجر عسقلانی (۱۳۹۰ق)، لسان المیزان، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

۵. ابن‌خلکان (بی‌تا)، وفیات الاعیان، بیروت: دار الثقافه.

۶. ابن‌شداد، محمدبن‌علی (۱۹۵۳م)، الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره، دمشق: المعهد العلمی الفرنسی للدراسات العربیه.

۷. ابن‌فرات، محمدبن‌عبدالرحیم (۱۴۲۸ق)، تاریخ ابن‌فرات، بیروت: الجامعة الامریکیه.

۸. ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل (۱۴۰۷ق)، البدایة و النهایة، بیروت: دار الفکر.

۹. ابن‌ندیم، محمدبن‌اسحاق (بی‌تا)، الفهرست، بیروت: دار المعرفه.

۱۰. بغدادی، عبداللطیف(۱۴۰۳ق)، الافاده و الاعتبار، دمشق: دار قتیبه.

۱۱. بهرامی، حمزه‌علی و فرمانیان، مهدی (۱۳۹۰ش)، «اهداف، وظایف و کارکرد آموزشی مراکز علمی فاطمیان»، فصلنامه سخن تاریخ، ش۱۴، ص۲۹-۵۴.

۱۲. تهرانی، آقابزرگ (بی‌تا)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دار الاضواء.

۱۳. چلونگر، محمدعلی (۱۳۸۳ش)، «پژوهشی درباره دارالعلم قاهره»، مشکوة، ش۸۲، بهار، ص۹۱-۱۰۴.

۱۴. حاجی‌زاده، یدالله (۱۳۹۸ش)، «کارکرد دارالعلم فاطمی در آموزش علوم و تبلیغ تعالیم اسماعیلی»، فصلنامه تمدن اسلامی و دین‌پژوهی، سال اول، ش۴، پاییز، ص۱۱۳-۱۳۲.

۱۵. حموی، یاقوت (۱۳۹۹ق)، معجم البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۶. ـــــــــ (۱۴۰۰ق)، معجم الادباء، بیروت: دار الفکر.

۱۷. حنبلی، ابن‌عماد (بی‌تا)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۸. ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۰۷ق)، تاریخ الاسلام، بیروت: دار الکتاب العربی.

۱۹. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۳۷۴ش)، مفردات الفاظ القرآن، تهران: مرتضوی.

۲۰. الزحلاوی، حبیب الیاس (۱۳۴۴ق)، «احراق دارالعلم بطرابلس الشام»، مجله الزهراء، ش۲، ص۱۱۰-۱۱۳.

۲۱. زمانی‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۴ش)، شناخت‌نامه شیخ ابوالفتوح رازی، قم: دار الحدیث.

۲۲. زمخشری، محمودبن‌عمر (۱۳۸۶ش)، مقدمه الادب، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.

۲۳. سبکی، تاج‌الدین عبدالوهاب (بی‌تا)، طبقات الشافعیه الکبری، بی‌جا: دار احیاء الکتب العربیه.

۲۴. شریف رضی، محمدبن‌حسین (۱۴۰۶ق)، الخصائص الائمه علیهم‌السلام، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة الآستانة الرضویة المقدسة.

۲۵. شعار، منذر (۱۴۰۵ق)، «دارالعلم فی طرابلس الشام»، الوعی الاسلامی، سال یازدهم، ش۲۴۵، ص۱۱۵-۱۱۷.

۲۶. طبرسی، احمدبن‌علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج، مشهد: مرتضی.
۲۷. طرطوشی، أبوبکر محمدبن‌محمد (۱۴۱۵ق)، سراج الملوك، ریاض: دار العاذریه للطباعة و النشر.
۲۸. طوسی، محمدبن‌حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. عبدالحمید، صائب (۱۴۲۴ق)، معجم مورخی الشیعة: الإمامیة ـ الزیدیة ـ الإسماعیلیة، قم: مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامی.
۳۰. غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۸۸ش)، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه: نورالله کسایی، تهران: دانشگاه تهران.
۳۱. فروزانی، سیدابوالقاسم و مودت، لیدا (۱۳۹۳ش)، «نقش دارالعلم طرابلس در پویایی مذهب تشیع در عهد بنی‌عمار»، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی، سال دوازدهم، ش۴۶، ص۷-۲۴.
۳۲. فیومی، احمدبن‌محمد (بی‌تا)، المصباح المنیر، قم: موسسه دار الهجره.
۳۳. قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸ش)، نقض معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، تهران: انجمن آثار ملی.
۳۴. قزوینی، زکریابن‌محمد (۱۹۹۸م)، آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت: دار صادر.
۳۵. قفطی، علی‌بن‌یوسف (۱۳۷۱ش)، تاریخ الحکماء، تهران: دانشگاه تهران.
۳۶. کحاله، عمر (۱۳۷۶ق)، معجم المولفین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. کردعلی، محمد (۱۴۰۳ق)، خطط الشام، بیروت: مکتبة النوری.
۳۸. کریمی زنجانی اصل، محمد (۱۳۸۵ش)، دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام، تهران: اطلاعات.
۳۹. کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۳۶۲ش)، کافی، تهران: اسلامیه.
۴۰. محمدنیا سماکوش، مرتضی (۱۳۸۹ش)، «کتابخانه شاپور، اولین کتابخانه و دارالعلم شیعه»، کتاب ماه کلیات، ش۱۵۲، مرداد، ص۹۲-۹۷.
۴۱. محمدی، ذکرالله و پرویش، محسن (۱۳۹۲ش)، «دارالعلم‌های دوره آل‌بویه و نقش آن در شکوفایی و ارتقاء علم و دانش»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال چهارم، ش۷، پاییز و زمستان، ص۱۷۳-۱۹۵.
۴۲. مقریزی، احمدبن‌علی (۱۴۱۸ق)، المواعظ و الإعتبار بذکر الخطط و الآثار، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۳. نظام‌الملک، حسن بن علی بن اسحاق (بی‌تا)، سیاست‌نامه، تهران: زوار.
۴۴. نویری، شهاب‌الدین أحمدبن‌عبدالوهاب (۱۴۲۳ق)، نهایة الأرب فی فنون الأدب، قاهرة: دار الکتب و الوثائق القومیه.
۴۵. هالم، هاینتس (۱۳۷۷ش)، فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: نشر فرزان.